

→ 200

→ words

→ our words

# نقش توانش زبانی در موفقیت دوره‌های تربیت معلم زبان‌های خارجی

شود که با سطح‌بندی در طول دوره رشد مهارت‌ها تضمین شود. در دوره‌های تربیت‌معلم، رشد مهارت‌ها باید در همه بخش‌ها دنبال شود. دروس دوره را می‌توانیم در بخش‌های زیر طبقه‌بندی کنیم که گرچه سمت و سوی متفاوتی دارند ولی همه در کمک به رشد مهارت‌های زبانی مشترک‌اند. این طبقه‌بندی بخش‌های زیر را شامل می‌شود: دروس مربوط به زبان‌آموزی، دروس مربوط به حوزه‌های محتوایی زبان، دروس مربوط به حوزه تعلیم و تربیت، و تمرین معلمی. از طریق دروس ارائه شده انتظار می‌رود توانش‌های زیر در دانشجو معلم رشد کند: توانش زبانی و فرهنگی، توانش گفتگویی و فرهنگی حاکم بر مدارس، توانش طراحی و اجرای برنامه درسی، و توانش کار با ابزارهای فناوری اطلاعات. در حقیقت توانایی معلم زبان در انتقال دانش و مهارت‌ها را می‌توان با عنایت به توانش‌های فوق و چگونگی انتقال آن‌ها به دانشجو معلم در دوره‌های تربیت‌معلم مورد بررسی قرار داد. دروس ارائه شده باید طیف وسیعی از حوزه‌های محتوایی مربوط به یادگیری و آموزش زبان خارجی را شامل شود که مهم‌ترینشان عبارتند از: ساختار زبان، فراگیری زبان دوم، روش‌های آموزش زبان در حال و گذشته، تحلیل مواد آموزشی، سنجش و ارزیابی، روش‌های تحقیق و پیش‌نیازهای توانش زبانی برای معلمان زبان غیربومی زبان خارجی. در دوره‌های کارشناسی زبان‌های خارجی، وزن دروس محتوایی زبان بسیار اندک است. در سال اول و دوم، دروس عمدتاً به زبان‌آموزی اختصاص دارند و در دو سال باقیمانده بیشتر دروس

با توجه به جایگاه زبان‌های خارجی در ارتباطات بین‌کشوری، برنامه‌های تربیت‌معلم زبان در سراسر دنیا برگزار می‌شوند و در همه آن‌ها آنچه بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد فرایند آموزش و تربیت معلمان زبان می‌باشد. در این راستا به موضوعاتی نظیر ماهیت دروس تربیت‌معلم، رویکردهای متفاوت تربیت‌معلم و روش‌های آموزش اشاره می‌شود که در منابع نوشتاری و همایش‌های مربوط به تربیت‌معلم مورد بحث قرار می‌گیرد. برنامه‌های تربیت‌معلم زبان در سراسر دنیا چند مؤلفه را در بر می‌گیرند که عبارتند از دانش محتوایی، دانش آموزش محتوا، آشنایی با فرهنگ، ساختار مدارس و برنامه درسی و بالاخره آشنایی با پیشینه زبان‌آموزان. پایه دانشی مؤلفه‌های فوق به مجموعه مهارت‌ها، اطلاعات و نگرش‌هایی اطلاق می‌شود که معلمان نیاز دارند تا بتوانند به وظایف خود در کلاس درس عمل کنند. آنچه در برنامه‌های تربیت‌معلم زبان مایه نگرانی است عدم کفایت دوره‌ها در برطرف کردن نیازهای حرفه‌ای معلمان زبان است. به‌عنوان مثال برخورداری از توانش ارتباطی زبان که انتظار می‌رود در بخش محتوایی دوره‌های تربیت‌معلم به آن پرداخته شود معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد. وضعیت موجود با توصیه‌های مؤکد مراجع آموزش زبان خارجی<sup>۱</sup> در این خصوص مغایرت دارد. همه آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که دوره‌های تربیت‌معلم زبان باید فرصت‌هایی را فراهم کند تا توانش دانشجو معلم در چهار مهارت سخن گفتن، گوش دادن، خواندن و نوشتن رشد کند و زمینه‌ای فراهم



تعیین شده وجود ندارد. در چنین شرایطی به احتمال زیاد معلمان زبان بدون خودآموزی و یا برخوردار شدن از دوره‌های ضمن خدمت ناظر بر ارتقای توانش زبانی موفق نخواهند شد در مهارت‌های ارتباطی مورد نیاز حرفه معلمی زبان در حد مورد انتظار عمل کنند. شواهد تجربی به خوبی نشان داده است که بنیان اعتماد به نفس حرفه‌ای معلمان زبان را توانش ارتباطی زبان تشکیل می‌دهد و معلمان خود نیز در نظرسنجی‌ها این مؤلفه را مهم‌ترین نیاز حرفه‌ای معلمی زبان ارزیابی کرده‌اند. مشکل توانش زبانی در دوره‌های کارشناسی زبان خارجی و در بین معلمان شاغل در کشورهایی که فرصت ارتباط با خارجی‌زبانان بسیار کم است شکل حادثی به خود می‌گیرد. در این کشورها به دلیل عدم استفاده ارتباطی از زبان خارجی در کلاس درس این احساس به دانش‌آموزان منتقل می‌شود که زبان از طریق انجام فعالیت‌های کتاب درسی آموخته می‌شود. ایجاد چنین احساسی را می‌توان بزرگ‌ترین مانع در موفق شدن زبان‌آموزی در برنامه درسی به حساب آورد. با عنایت به نکات فوق می‌توانیم نتیجه بگیریم که با اتخاذ رویکرد ارتباطی در برنامه درسی زبان خارجی انتظار می‌رود با بازنگری در دوره‌های تربیت معلم زبان پیش از خدمت و ضمن خدمت، موجبات ارتقای توانش ارتباطی معلمان زبان فراهم شود.

#### پی‌نوشت

1. TESOL Association, ACTFL

به ادبیات و ترجمه مربوط می‌شوند. دروس محتوایی زبان که به ساختار زبان (ساختار آوایی، واژگانی، نحوی، معناشناسانه، و منظورشناسانه) و فراگیری و آموزش آن می‌پردازند تنها بخش کوچکی از محتوای دوره کارشناسی را به خود اختصاص می‌دهند. بدیهی است با برنامه‌ای که بخش کوچکی از محتوای آن مستقیماً به رشد توانش ارتباطی زبان و آموزش مربوط می‌شود نمی‌توان انتظار داشت فارغ‌التحصیلان از توانش‌های حرفه‌ای شغل معلمی برخوردار شوند. این واقعیت که در دوره کارشناسی زبان‌های خارجی شرط توانش زبانی بالاتر از سطح متوسط برای ورود به دوره‌های کارشناسی رعایت نمی‌شود و حتی در زبان انگلیسی که ورودی‌های دوره کارشناسی به مدت شش سال در دوره متوسطه به زبان‌آموزی پرداخته‌اند اکثریت ورودی‌ها از سطح مطلوب توانش ارتباطی زبان برخوردار نیستند به نگرانی‌ها در این زمینه می‌افزاید. به علاوه در دوره کارشناسی نیز که ساختار دانشگاهی دارد دروس زبان‌آموزی در ارتقای توانش ارتباطی در حد انتظار عمل نمی‌کنند. بنابراین گرچه حداقل ۳ نیم‌سال متوالی دانشجویان دروسی با ماهیت زبان‌آموزی را می‌گذرانند شواهد پژوهشی وجود ندارد که نشان دهد آیا همه یا اکثریت دانشجویان به سطحی از توانش زبانی دست می‌یابند که بتوانند در دروس محتوایی موفق ظاهر شوند. در طول دوره و هنگام فارغ‌التحصیلی نیز توانش زبانی دانشجویان مورد سنجش قرار نمی‌گیرد. در ورود به حرفه معلمی نیز سنجش توانش زبانی استاندارد با حد نصاب از پیش